

علل ناکارآمدی و توسعه احزاب در ایران دوره پهلوی اول

(نمونه موردی حزب سوسیال دموکرات (اجتماعیون عامیون) از سال ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵)

سمیه عمادی رستگار

دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

rastegar.468@gmail.com

دکتر سینا فروزش

استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول)

sinafrozesh@gmail.com

دکتر غلامحسین زرگری نژاد

استادگروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Zarqari53@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال پانزدهم شماره ۵۹-صفحه ۲۷۹-۲۵۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۱

چکیده

حزب دموکرات به لحاظ تاریخی، با نام «فرقه اجتماعیون عامیون» از مجلس دوم شورای ملی، به صحنه سیاسی کشور راه یافت و فعالیت خود را آغاز نمود و با تأثیر پذیری از سیستم‌های حزبی اروپا نخستین حزب سیاسی ایران را پی افکندند. مسئله اساسی مقاله حاضر این است که چرا حزب دموکرات که دارای سازمان پیشرفته و مترقی تر از سایر احزاب بود، نتوانست برنامه‌های خود را پیاده کند و سرانجام به صورت حزبی ناکارآمد جلوه‌گر شد؟

فرضیه تحقیق این است که موانع و محدودیت‌های ساختاری درونی حزب از یک سو و موانع و محدودیت‌های ساختاری حکومت از سوی دیگر، زمینه‌های ناکامی و ناکارآمدی حزب دموکرات را فراهم کردند. روش تحقیق در این مقاله تاریخی (استقرائی) است یافته اساسی تحقیق حاضر این است که عوامل ناکارآمدی و عدم تداوم حزب دموکرات به دو دسته عوامل درونی و بیرونی بستگی داشته که از آن جمله می‌توان به گرایش به ایدئولوژی وارداتی، ضعف جامعه مدنی، جامعه پذیری سیاسی مستبدانه، منطبق نبودن با مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، اسلام‌نمایی و تهدید به ترور، وابستگی به دولت‌های خارجی، اعتقاد نداشتن به جایگاه و کارکرد احزاب، نگرش اقتصادی و چگونگی اصلاحات و اختلاف عقیده و نگاه‌های چندگانه اشاره کرد.

واژگان کلیدی: جریان‌شناسی، حزب دموکرات، مرام‌نامه، ناکارآمدی.

در دموکراسی های امروز جهان که حکومت مردم بر مردم است، اداره جامعه به عهده یک فرد امکان پذیر نیست. هر جامعه ای باید به پاس آزادی، مساوات را رعایت کند تا عزت انسانها در آن تجلی یابد. سرکوب آزادی و مساوات موجبات عکس العمل و مقاومت و قیام افراد جامعه می شود، قیام ها، شورشها و انقلاب ها اغلب به همین دلیل شکل می گیرند، تا دسترسی به دموکراسی امکان پذیر شود و قوانین لازم را شکل دهند. احزاب سیاسی مهمترین و معتبرترین نهاد اجتماعی سیاسی هستند و برای رسیدن به اهداف بالا ضرورت حضور احزاب سیاسی به یقین می رسد. در جامعه ایران بطور رسمی احزاب از مجلس اول شروع به کار کردند، در دوره اول تنها از انجمن ها به عنوان تشکیلات سیاسی ابتدایی در ایران می توان نام برد. این امر به معنای این نیست که در ایران قبل از مجلس دوم هیچگونه تشکیلات و سازمان سیاسی وجود نداشته است، بلکه تنها به این معنی است که هیچکدام از این تشکیلات با توجه عملکرد آنها، مرام و رفتارهای سازمانی در قالب احزاب سیاسی امروزی و جدید قرار نمی گیرند.

پس از فتح تهران و تشکیل مجلس دوم در پی به وجود آمدن فضای باز سیاسی، حزب دموکرات اولین حزب سیاسی منطبق بر احزاب اروپا بود که در انتخابات مجلس دوم تاسیس شد و در آغاز تشکیل مبنای فعالیت خود را در مجلس دوم گذاشتند، دموکرات ها در مجلس دوم در اقلیت بودند عناصر تشکیل دهنده حزب غالباً جوانان و طبقه تحصیل کرده جامعه بودند که گرایش های آزادی خواهانه داشتند. حزب دموکرات به سرکردگی افرادی چون تقی زاده کارنامه ای فعالی دارد. از اهداف و برنامه های حزب دموکرات می توان به جدایی دین از سیاست، ایجاد نظام اجباری، قانون منع احتکار، تقسیم املاک بین رعایا، تعلیم و تربیت اجباری، تاسیس بانک و اولویت مالیات مستقیم بر مالیات غیر مستقیم. حزب دموکرات در مرام نامه خود بر انتخابات عمومی نمایندگان مجلس و لغو امتیازهای شخصی و صنفی تاکید دارد. مسأله تحقیق حاضر این است که با توجه به اهمیت و ضرورت کارآمدی و استمرار فعالیت احزاب، علل و چگونگی ناکارآمدی و عدم تداوم حزب دموکرات در دوره پهلوی اول چه بوده است؟. فرضیه مقاله نیز بر این اساس استوار است:

اولین عامل یا مانع برای حضور پایدار احزاب، قدرت سیاسی خودکامه است. حکومت های خودکامه، سازنده احزاب دولتی می باشند. از زمان تشکیل اولین احزاب ایرانی، دموکرات ها و

اعتدالیون در عصر مشروطیت، ایرانی‌ها به اهمیت و ضرورت حزب برای مهار قدرت سیاسی پی بردند ولی مغلوب دیکتاتوری حاکم شدند.

در خصوص پیشینه پژوهش در زمینه حزب دموکرات کتاب یا مقاله‌ای که منحصرأ در این زمینه تألیف شده باشد یافت نشد، نخستین پیشینه موضوع بر می‌گردد به دست نوشته‌ها و خاطرات سران این حزب و منابعی که به بررسی تحزب در دوره پهلوی اول به شکل پراکنده به حزب دموکرات پرداخته‌اند می‌توان کتاب محمد امین رسول زاده (گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت)، محمد حسین تقی زاده (مقالات تقی زاده)، محمد تقی بهار (تاریخ مختصر احزاب سیاسی در ایران)، منصوره اتحادیه (مرامنامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران)، یعقوب آژند (اسنادی از مطبوعات و احزاب در دوره رضا شاه) احمد کسروی (تاریخ مشروطه ایران)، فریدون آدمیت (فکرآزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران)، آبراهامیان (ایران بین دو انقلاب) را نام برد.

تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت، تاریخی و به لحاظ روش در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار دارد. اطلاعات این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب، مقالات و سایر متون چاپی گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات هم با رویکرد کیفی و مبتنی بر عقل و منطق و استدلال صورت گرفته است.

حزب گروهی از افراد جامعه که حول محور یک برنامه سیاسی یا یک تئوری فکری مشترک با یک دیگر متحد شده و بر مبنای اصول خاصی که مورد قبول همه آنهاست، برای حفظ، توسعه و پیشبرد منافع ملی مشترک جمع می‌شوند. در ادبیات لاتین، واژه‌های معادل حزب از دیرباز در فرهنگ لغات مختلف وارد شده‌اند و قدمتی طولانی را دارا می‌باشند. واژه «party» در انگلیسی با «parti» در فرانسه، برگرفته شده از مصدر «partir» به معنای رفتن و قسمت کردن است که معادل فارسی آن را حزب برگزیده‌اند. حزب از نظر لغوی به معنای گروه، دسته و دسته‌ای از مردم که دارای مسلک خاصی هستند. (معین، ۱۳۶۰: ۳۳۸) در فرهنگ دهخدا حزب به معنای گروه و دسته مردم به کار می‌رود. (دهخدا، ۱۳۴۲: ۱۵۵۰) «کلمه حزب در قرآن مجید بارها به کار رفته است. در قرآن، حزب، به معنای گروهی که می‌توانند برای هدف الهی (قرآن کریم، ۵: ۵۶) و یا برای اهداف ضد الهی تجمع نمایند (قرآن کریم، ۳۳: ۲۲) به کار رفته است.

اگر امروز سخن از حزب به میان می‌آید و در فایده آن سخن می‌رود، مفهوم جدید آن مورد نظر است. تشکلی که به گفته ماکس وبر «فرزند دموکراسی در غرب (وبر، ۱۳۷۶: ۱۱۳) است و بسیاری بر خاستگاه غربی آن متفقند. در جوامع و نظام‌های سیاسی نوین، نسبت به ضرورت و اهمیت حزب، اجماعی تقریبی وجود دارد و احزاب، عناوینی همچون چرخ‌دنده ماشین دموکراسی، نماد سیاست مدرن، حلقه مفقوده، واسطه بین مردم و کارگزاران و... را به خود تخصیص داده‌اند. از دیدگاه بسیاری، نخستین حزب سیاسی به معنای جدید در قرن ۱۸ م. تولد یافت و به سرعت مورد تقلید بسیاری از کشورهای اروپایی قرار گرفت و به تدریج جزء ارکان نظام‌های دموکراسی در آمد. احزاب سیاسی اصلی‌ترین کانون تجمیع خواسته‌ها و علایق گوناگون تلقی می‌شوند که به واسطه حضور آنها، زمینه‌های ساختاری و عینی لازم برای تاثیر گذاری متقابل نیروهای سیاسی و اجتماعی بر یکدیگر و بر ساختارهای سیاسی فراهم می‌شود.

با توجه به مسائل مطرح شده، بررسی مفهوم حزب نشان از آن دارد که سه ویژگی اساسی، عناصر تشکیل دهنده واژه‌های معادل حزب در جوامع مختلف می‌باشند. این سه عنصر عبارتند از: تفریق، اشتراک و مبارزه؛ چرا که در تمامی این فرهنگ‌ها، حزب، به معنای اجتماع شهروندانی است که آرمان مشترک و منابع ویژه‌شان، آنان را از گروه بزرگتر که جامعه ملی است مشخص می‌کند که با داشتن برنامه منظم و تشکیلات و یاری مردم می‌کوشند که برنامه‌ها و آرمانهایشان را به تحقق برسانند. (عبدالحمید، ۱۳۷۶: ۴۰۷)

۲- بحث

۲-۱- بستر پیدایش، تاسیس و شکل‌گیری حزب دموکرات

در ایران پیش از به وجود آمدن حزبهای اولیه در دورانی که زمینه‌های جنبش مشروطیت شکل می‌گرفت، تشکل‌ها و سازمان‌هایی با اندیشه ایجاد تشکل‌های حزبی، حرکت‌هایی رو آغاز کرده بودند، از جمله مهمترین سازمانها و انجمن‌ها عبارت بودند از: مجمع فراموش‌خانه، انجمن مخفی و فرقه‌های مذهبی (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۵۱ - ۸۰؛ پارسا بناب، ۱۳۸۳: ۶) که برخی از آنها در پیروزی انقلاب مشروطه و برخی هم در تشکیل اولین احزاب سیاسی نقش داشتند. در مجلس اول حزبی تشکیل نشد، پس از فتح تهران و تشکیل مجلس دوم احزاب سیاسی به صورتی رسمی پا به عرصه سیاسی گذاشتند. در این دوره دیگر از تعداد انجمن‌های محلی و ملی خبری نبود بلکه به جای آنها دو حزب بزرگ و چند حزب کوچکتر میدان‌دار سیاست کشور شدند. مهمترین آنها که پیش از سایر

احزاب پا به عرصه مبارزات سیاسی گذاشت و در مجلس دوم به فعالیت علنی و سازمان‌یافته پرداخت، حزب دموکرات یا (فرقه اجتماعیون عامیون) بود. سید حسن تقی زاده در نامه خود به ادوارد برون از «حصه عظیم» اجتماعیون در انقلاب ایران و مشروطیت سخن می‌گوید. (ادوارد برون، ۱۳۶۱: ۲۴۰) نیروی کار قفقاز ترکیبی از اقوام و ملیت‌های گوناگون بود. بخشی از این نیروی کار را ایرانیان تشکیل می‌دادند. مهاجرت از ایران در نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه - از حدود ۱۲۹۰ ق / ۱۳۵۲ ش به صورت پدیده اجتماعی درآمد. هزاران روستایی، پیشه‌ور، دکاندار، کاسب خرده‌پا، بازرگان، یا افراد بیکار، در جست‌وجوی کار و موقعیت اقتصادی مناسب به کشورهای پیرامون ایران می‌رفتند. اکثر آنها راهی روسیه می‌شدند. (ابراهیموف، ۱۳۶۵: ۲۵) دوری از کاشانه و خانواده، کار زیاد و سخت، دستمزد کم، تحمل تحقیر، شنیدن دشنام، آسیب دیدگی از سوانح کار بدون گرفتن غرامت، زندگی نکبت‌بار، و هراس همیشگی از بیکاری و گرسنگی روزگار کارگران مهاجر ایرانی بود. در گیرودار چنین رویدادهایی فرقه اجتماعیون عامیون ایرانیان پی افکنده شد. (یزدانی، ۱۳۹۱: ۱۰۹ - ۱۰۴) این فرقه در قفقاز و ایران فعالیت می‌کرد و سازمانی بود کوچک با اعضای اندک، در مبارزه بر ضد خودکامگی، گسترش جنبش کارگری و روستایی شرکت داشتند. قوام‌السلطنه پس از بازگشت از سفر مسکو تصمیم به تشکیل یک حزب سیاسی گرفت و این تصمیم را با عده‌ای از رجال ایرانی از جمله سردار فاخر حکمت در میان گذاشت و از آنها خواهش کرد تا برای ایجاد وحدت نظر مقدمات تشکیل یک حزب سیاسی را فراهم آورند. این حزب به نظر می‌رسد شاخه‌ای از حزب سوسیال دموکرات باکو یا حزب همت قفقاز، در ایران به شمار می‌رفت. ملیت‌های غیر روس از جمله مسلمانان قفقاز، ارمنیان و گرجیان که مخالفان حکومت تزاری بودند به حزب سوسیالیست دموکرات پیوستند. (آدمیت، ۱۳۵۴: ۱۲) انقلابیون مسلمان قفقاز به منظور انجام مبارزات خود، در اواخر سال ۱۹۰۴ م دست به تشکیل حزبی به نام «همت» زدند. (رواسانانی، ۱۳۶۸: ۵۷) تشکیل حزب همت و گسترش فعالیت‌های آن بر ایرانیان مقیم قفقاز تاثیر گذاشت به طوری که در سال ۱۹۰۵ م «کمیته سوسیال - دموکرات ایران» یا «اجتماعیون - عامیون» در بادکوبه تشکیل شد. (آدمیت، ۱۳۵۴: ۱۳) با تشکیل مجلس دوم اجتماعیون و عامیون دور اول مجلس که یک تشکیلات مخفی و دارای یک کمیته سری کوچک بود و اعضای آن فدایی خوانده می‌شدند اندکی بعد کلمه اجتماعیون را که به معنای سوسیالیست بکار می‌رفت از نام خود حذف کرد و کلمه دموکرات را انتخاب کردند. حزب دموکرات یک حزب رسمی و آشکار شد که، مایل بود رابطه اش

با انقلابیون فراموش شود نام خود را دموکرات یا عامیون گذاشت و عنوان اجتماعیون و سوسیالیست را به همین دلیل از نام خود حذف کرد. اینکه چرا اعضای فرقه اجتماعیون نام حزب دموکرات را بر خود نهادند، دلایل مختلفی دارد که مهمترین آنها شاید همین باشد که خواسته‌اند با گذشته خود تا حد زیادی قطع ارتباط نموده و ذهنیت منفی که در مورد واژه «اجتماعیون عامیون» وجود داشته را از خود دور نمایند. زیرا واژه مذکور بیانگر مرام سوسیالیستی است که با اعتقادات مردم ایران ناهمخوانی داشته است. بعضی نیز گفته‌اند که علت این تغییر نام این بوده که واژه «اجتماعیون عامیون» ترجمه (Social Democrat) بود که با توجه به اینکه ایرانیان اکثراً از عناوین خارجی متنفر بوده‌اند، انتخاب چنین واژه‌ای به نوعی عامل تحریک احساسات مردم می‌نموده است. (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۷۱)

عناصر تشکیل دهنده حزب غالباً جوانان و طبقه تحصیل کرده جامعه بودند. (آفاری، ۱۳۷۹: ۳۴۰) چنان که «جوانان و شاگردان مدارس غالباً به هواداری از این حزب تمایل داشتن» (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۷-۶) تعدادی از روحانیون که گرایش‌های آزادی خواهانه داشتند نیز از اعضای اصلی آن بودند، شماری از اعضای و هواداران حزب در زمره روزنامه نگاران، خطبا و اهل قلم بودند. حزب به دلیل وجود اعضا و هواداران روشنفکر خود، از پشتوانه فکری قوی برخوردار بود. اندیشه تشکیل حزب دموکرات ایران توسط روشنفکران و مجاهدان مسلمان اهل قفقاز با فتح تهران طرح شد و زمام آن در دست کسانی چون رأس آن هاحیدرعمو اغلو (رائین، ۱۳۴۵: ۲۷۰)، رسول زاده (رسول زاده، ۱۳۷۷: ۹)، تقی زاده، حسین قلی خان نواب و ابراهیم زنجانی، از بنیانگذاران و فعالان حزب دموکرات شمرده می‌شد (افشار، ۳۵۹: ۳۳۵) و به ریاست حزب فرقه دموکرات در مجلس دوم انتخاب شد. (علوی، ۱۳۶۳: ۱۵؛ همان، ۱۳۸۴: ۱۴۵)

ملک‌زاده در مورد خاستگاه این حزب می‌نویسد «عده‌ای از مشروطه‌خواهان تندرو و معروف به انقلابی که از دیرزمانی با هم همفکر و متحد بودند و سیاست واحدی داشتند، حزب دموکرات را تشکیل دادند و چون اطلاعات و مطالعاتی از اصول و قواعد و نظامات احزاب سیاسی کشورهای مترقی داشتند و پیش از این زمان در فرقه اجتماعیون عامیون عضو بودند، موفق شدند تشکیلات حزب را در روی یک پایه معین و محکم استوار نمایند». (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۰۸)

۲-۲- برنامه و ساختار حزب دموکرات

منابع موجود نشان می‌دهد که اجتماعیون تا چند ماه پس از پایه گذاری سازمان خود برنامه مدونی نداشتند. اما رفته رفته تدوین برنامه ای یگانه ضرورت پیدا کرد. یکی از دلایل، تعدد گروهایی بود

که خود را اجتماعیون عامیون می نامیدند، اما با یکدیگر رابطه سازمانی و فکری نداشتند. به اعتقاد آدمیت، این ساختمان حزبی بر پایه احزاب سوسیال دموکرات بنا شده است. اجتماعیون در ایجاد شبکه های خود به شکل سازمانی حزب سوسیال دموکرات روسیه نگریسته است. اما آن ها از احزاب دیگر روسیه غافل نمانده بودند. (آدمیت، ۱۳۵۴: ۱۳ - ۱۲) مرام نامه حزب دموکرات توسط رسول زاده در سال ۱۳۲۸ هـ. ق به نگارش درآمد و به اتفاق حیدرخان عمواوغلو آن را سازمان دادند. آنان اعتقاد به فعالیت پارلمانی داشتند و در صدد پیشبرد سوسیالیسم (نظم اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر برابری) از طریق مجلس و مشروطه بودند. دموکرات ها میراث خواران مشاغلی نبودند که نیازمند حفظ ثروت باشند، بلکه مردان جدیدی بودند که می خواستند ایرانی نو بسازند. (آفاری، ۱۳۷۹: ۳۱۵) « فرقه دموکرات ایران که برای چنین مقصد عالی تأسیس شده سعادت آتیه وطن را فقط در اتحاد صنف عامه مملکت که اکثریت اهالی را تشکیل میکند و ترتیبات مقتضیه حال آن ها دانسته و دیده. برای آن که ایران تجدد پیما را یک دولت دموکراتی کرده و زمام حکومت را همیشه به دست عامه ملت که قسمت اعظم آن را تشکیل می نماید بدهد، مطالبات آتیه را در خواست می کند.» (مرام نامه، ۱۳۳۷: ۱۰ - ۹)

حزب دموکرات در آغاز تشکیل مبنای فعالیت خود را در مجلس دوم گذاشتند، دموکرات ها در مجلس دوم نسبت به اعتدالیون در اقلیت قرار داشتند. از بین ۱۲۰ نماینده مجلس، تنها ۲۷ نفر دموکرات ۳۶ نفر اعتدالی که با احزاب اتفاق و ترقی ائتلاف داشتند. (بهار، ۱۳۵۷: ۳۸) با وجود این که حزب دموکرات در دسته اقلیت بودند، ولی توانستند کابینه سپهدار را در رجب ۱۳۲۸ وادار به استعفا نمایند و با روی کار آمدن مستوفی الممالک فعالیت های حزب دموکرات جان تازه ای به خود گرفت. در این دوره از مجلس دموکرات ها یر وظیفه خود به عنوان حزب اقلیت در نظام پارلمانی، که همان تنقید از حزب اکثریت و کابینه برخواسته از آن بود، تاکید می کردند. (ایران نو، ۱۳۲۹: ۱) ملک زاده، حزب دموکرات بیش از سایر احزاب به مسئله سلطه دول غربی توجه داشتند آنان معتقد بودند فقط با ایستادگی در برابر روس ها و انگلیسی ها خواهند توانست جلوی تجاوزات آنان را بگیرند. (اتحادیه، ۱۳۷۱: ۳۱۶؛ ملک زاده، ۱۳۷۳: ۳۴۵)

وضعیت اجتماعی ایران که، جامعه سنتی با اقتصاد معیشتی و متکی به کشاورزی غیر تجاری ایران در دوره مشروطیت توان زایش طبقاتی گسترده و مقتدر و مستقل از دولت نظیر آنچه که در اروپا حادث شده بود را نداشت. ساختار عقب مانده جامعه ایران عزم آنان را برای تأسیس حکومتی

قانونی و مبتنی بر آزادی و برابری را دو چندان ساخت. در مرامنامه حزب دموکرات آمده است: ایران در هیچ تاریخی به حال اضطراب و بحران امروزه اش نیفتاده. این مملکت نظیر زوال و اضمحلالی را که در حال کنونی مبتلاست در تاریخ خود ندیده.... حزب راه چاره را ناگزیر از تجدید و طی نمودن درجاتی که تمام عائله بشریت از آن گذشته اند... و تشکیل یک حکومت قانونی قوی، دانسته و به منظور از قوه به فعل در آوردن این مقاصد عالیه، ارباب معارف و اشخاص با ناموس و وطن پرست را ... در دایره یک فرقه سیاسی اتحاد مسلک و توحید حرکت نموده برای حفظ آزادی و استقلال مملکت و ابقای مشروطیت اصول اداره آن را چنان بنای متین گذاشت که در راه ترقی و تکامل بقدر امکان از مشکلات عدیده آزاد بوده و به شاهراه قافله بشریت افتاده، بلامانع برود. (افشار، ۱۳۵۹: ۳ - ۳۶۲).

رسول زاده که از مهره های اصلی حزب سوسیالیست روسیه و قفقاز در کادر رهبری حزب دموکرات بود با کمک افرادی همچون تقی زاده و با راه انداختن روزنامه ها و جراید متعدد و با بکارگیری تحصیل کردگان نو و متجددان هم در تزیق افکار جدید لیبرالیستی و هم در ایجاد نزاع های سیاسی بیهوده، که ثمره آن را بیگانگان بردند، سخت فعال بود. بهار می نویسد: «نظر به اینکه افراد فعال و صاحب عقیده و با ایمان و حرف بز و چیز نویس در میان آنها زیاد بود و اساساً منتقد و تند زبان بوده و هوادار فقرا و رنجبران معرفی گردیده بود، موفق شدند که در مجلس فراکسیون ۲۸ نفری بوجود آورند و در خارج افراد کثیری از جوانان و غیر جوانان طبقه دوم را بخود جلب نمایند و چند روزنامه خوش قلم و موجه و مشهور مانند ایران نو در تهران، شفق، در تبریز، نوبهاره در خراسان را منتشر سازند و مخالفان خود را بنام محافظه کار و ارتجاعی و آخوند و سرمایه دار و اشراف و اعیان به باد انتقاد بگیرند.» (بهار، ۱۳۵۷: ۱۰-۹) روزنامه ایران نو که ارگان رسمی حزب سوسیال دمکرات بود. ناقل افکار و اندیشه های لیبرالیستی و سوسیالیسم در ایران بود، منشاء اختلافات و ایجاد کننده تنش های قومی و سیاسی و طبقاتی و جناح بندی های ساختگی بود؛ زیر نظر و با مدیریت رسول زاده منتشر می شد. روزنامه ایران نو چندی بعد از تاجگذاری احمد شاه قاجار و در دوران نیابت سلطنت عضدالملک منتشر می شد، این روزنامه نقش مؤثری در انتقال مفاهیم و ایدئولوژی های غربی مثل لیبرالیسم و سوسیالیسم بر عهده داشت، سر مقاله نویس این روزنامه محمد امین رسول زاده بود. (آبادیان، ۱۳۷۶: ۱۰) رسول زاده که مروج ایدئولوژی پان ترکیسم و ناسیونالیسم افراطی ترکی بود برای به اجرا در آمدن مقاصد ناسیونالیست های قفقاز و جهت مقابله با روسیه تزاری و بعدها دولت شوروی به دولت انگلستان نزدیک شده و با کمک آن دولت،

جمهوری آذربایجان را تشکیل داد که بعد از مدت کوتاهی و با کنار آمدن انگلستان با شوروی دولت آذربایجان برچیده شد. رسول زاده برای اجرای مقاصدش از همکاری با نازیها ابایی نداشت. در روزنامه ایران نو مطالب علیه روسیه نوشته می شد، اما علبه انگلستان کلمه ای نوشته نمی شد. این امر به دلیل داشتن روابط گرم و وابستگی این حزب به محفل انگلستان بود. «حزب دموکرات با انگلیسی ها روابط خوبی داشت و مامورین بریتانیا در ایالات به این حزب روی خوش نشان می دادند.» (بهار، ۱۳۵۷: ۱۲) حمایت انگلستان از مشروطه خواهان بخصوص رهبری جناح روشنگران آن هم از این زاویه قابل فهم خواهد بود. تبلیغ و ترویج مدرنیزاسیون سطحی و مبتذل و رویکرد تقبذگونه به فرهنگ غرب، جوهره و اساس کار روزنامه نگاری امین زاده و دوستان او از حزب دموکرات در نشریه ایران نو بود. چنانچه در یکی از شماره های این نشریه با شگرد خاصی - که همواره افکار و اندیشه های خاصی خود را با عنوان نامه های وارده درج می کرد می نویسد: «وزرای ما باید بدانند که بدون اخذ اصول مملکت داری فرنگ نه تنها مثل فرنگی... نخواهیم داشت، بلکه محال خواهد بود که بتوانیم مثل فرنگی آهنگر و نجار داشته باشیم، آیین ترقی در همه، بالاتفاق حرکت می کند.» (ایران نو، ۱۳۲۷: ۳)

رهبران حزب پس از گذشت مدت کمی متوجه شدند که باید برای کادرسازی های خود و حمایت و پشتیبانی توده های مردم، حزب را گسترش کمی و کیفی دهند. لذا در دو بُعد شروع به فعالیت های پر حجم کردند. اول به لحاظ کمی به گسترش فیزیکی حزب دست زدند و دوم در بُعد کیفی شروع به نوشتن مرامنامه و اساسنامه کردند. ملک زاده در مورد گسترش کمی حزب می نویسد «کسانی که به تشکیل حزب دموکرات دست زدند مرام و نظامنامه جامعی که مناسب روحیت یک ملت مترقی بود، نوشته و به طبع رسانید و حوزه هایی در مرکز ولایات تشکیل دادند و مبلغانی برای شناساندن مرام و مقصود حزب به شهرستان ها فرستادند و در اندک مدتی دامنه حزب دموکرات در همه جا وسعت یافت و جمع زیادی از محصلین مدارس و افراد جوان و تندرو و یا به قول مخبرالسلطنه فلفل مزاج وارد حزب شدند و به نشر عقاید حزبی همت گماشتند.» (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۳۲۸) مرام نامه حزب توسط رسول زاده در سال ۱۳۲۸ هـ. ق به نگارش درآمده و به اتفاق حیدرخان عمواغلو آن را سازمان دادند، رسول زاده نقش مهمی داشته است چرا که در آن هنگام وی در تهران بسر

می‌برده و به اتفاق حیدرخان عموآوغلی مشغول «سازمان دادن آزادیخواهان و مشروطه‌خواهان بود»^۱. از قرائن نیز می‌توان چنین حدسی را زد. به این دلیل که مرامنامه به وضوح از ایده‌های حزب دموکرات روسیه انهام گرفته بود و این مسئله با توجه به نقش رسول‌زاده در جریان‌های سیاسی مربوط به روسیه خصوصاً در قفقاز این حدس را مقرون به صحت می‌نماید. آنان اعتقاد به فعالیت پارلمانی داشتند و در صدد پیشبرد سوسیالیسم از طریق مجلس و مشروطه بودند، از طرفی سعی داشتند جنبه های اسلامی نیز به عقاید خود بدهند تا از تهمت بی دینی و تندروی رهایی یابند. (نوذری، ۱۳۸۷: ۱۲)

شیخ ابراهیم زنجانی از بنیان‌گذاران و فعالان حزب دموکرات و رئیس فراکسیون آن حزب در مجلس دوم به گفته خود زنجانی، در تکمیل مرامنامه و نظامنامه حزب، بی نقش نبوده: ...تقی زاده از اروپا مرامنامه و نظامنامه حزب دموکرات را آورده کم کم شروع به ترویج محرمانه آن کرده بود. هنوز ده نفر بیشتر نبودند. مرا دعوت کردند و من مرامنامه را موافق آمال خود دیده قبول کردم. بعد یک مجمع مرکب از ده دوازده نفر برای تنقیح و تکمیل مرام نامه تشکیل دادیم. من و تقی زاده و حسینقلی خان نواب و وحیدالملک و صدیق حضرت و سید محمدرضا مساوات و حاجی سید ابوالحسن [علوی] و چند نفر دیگر مرامنامه را تکمیل کردیم. مرامنامه و نظامنامه طبع شد. (ابوالحسنی، ۱۳۸۴: ۴۶ - ۴۵؛ شهبازی، ۱۳۸۲: ۱۵)

۳-۲- علت ناپایداری

۳-۲-۱- گرایش به ایدئولوژی وارداتی (عدم تقارن و تناقض ایدئولوژی حزب با نظام مشروطه)

کسانی که با اجتماعيون پیوستگی داشتند، از تحصیل‌کردگان دیگر جامعه پرورش یافته بودند. آن‌ها از آموزش رایج زمانه برخوردار شده بودند، سپس به دانش و فکر جدید راه یافته بودند از جمله: تقی زاده، علی اکبر دهخدا و میرزا جهانگیر شیرازی. (افشار، ۶۸: ۳۱ - ۲۴؛ یزدانی، ۸۶: ۲۶ - ۱۷) اجتماعيون مانند جست و جوگران فکری آن دوران با نوشته های کسانی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، عبدالرحیم طالبوف و میرزا ملکم خان آشنا بودند. این نویسندگان در ایران سده نوزدهم و اوایل سده بیستم پایه های تفکر نوین را گذاشتند. اما اندیشه آنان یکسان نبود. بین آنها اختلاف نظرهای اساسی وجود داشت. آخوندزاده و میرزا آقاخان بر ملی‌گرایی تأکید

^۱ - منصوره اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب مشروطیت (دور اول و دور دوم شورای ملی) (تهران: نشر گستر،

می ورزیدند. ملکم به مسائل عمده جامعه ایران چشم دوخته بود. از میان مسائلی که وی مطرح کرده بود، دو مورد بر ایرانیان اندیشمند اثری عمیق گذاشته بود. یکی لزوم اخذ تمدن فرنگی بود، دیگری تأکید بر قانون. (آدمیت، ۱۳۴۰: ۱۰۰) وجه مشترک این اندیشمندان اراده پایان دادن به عقب ماندگی و راه سپردن به سوی پیشرفت اجتماعی بود. نخستین ویژگی بارز مرامنامه یا نظامنامه حزب دموکرات، تأثیرپذیری آشکار آن از غرب، و «غرب زدگی» نویسندگان آن است. این چه نوع قانون خواهی، آزادی خواهی و مشروطه طلبی بود که در حکومت قانونی و مشروطه، تشکیلاتی سیاسی به خود اجازه می داد که به نام دفاع از مشروطیت و آزادی، به اخذی از مستبدین بپردازد و برای بعضی از جرایم و تخلفات پیش پا افتاده قانون اعدام وضع کند و ترور مخالفان را هم در دستور کار خود قرار دهد؛ ظاهره سوسیال دموکراتها (اجتماعیون عامیون) بر آن بودند که به هر وسیله ای که شده باشد حتی زور و ترور، آرمانهای سوسیالیستی، و آزادی های اجتماعی و سیاسی را در جامعه ایران به ثمر برسانند. در مرامنامه که دنیای آرمانی را منعکس می کند، آزادی های هفت گانه (از آزادی فلم و مطبوعات و بیان و مجامع و آزادی فردی گرفته تا آزادی جمعیت ها و اعتصابات)، پاس داشته می شد. اما حقیقت این است که ایدئولوژی وارداتی سوسیال دموکراسی، گرچه تا حدی رنگ و بوی اسلامی گرفته بود، هیچ بستری برای رشد و بالندگی در ایران آن دوران نداشت. موارد مطرح در مرام نامه از جمله رادیکال ترین آن جدایی دین از سیاست منطبق با مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران نبود (بهار، ۱۳۵۷: ۹) شیخ ابراهیم زنجانی از بنیان گذاران و فعالان حزب دموکرات و رئیس فراکسیون آن حزب در مجلس دوم به گفته خود زنجانی، در تکمیل مرامنامه و نظامنامه حزب، بی نقش نبوده: ...تقی زاده از اروپا مرامنامه و نظامنامه حزب دموکرات را آورده کم کم شروع به ترویج محرمانه آن کرده بود. هنوز ده نفر بیشتر نبودند. مرا دعوت کردند و من مرامنامه را موافق آمال خود دیده قبول کردم. بعد یک مجمع مرکب از ده دوازده نفر برای تنقیح و تکمیل مرام نامه تشکیل دادیم. من و تقی زاده و حسینقلی خان نواب و وحیدالملک و صدیق حضرت و سید محمدرضا مساوات و حاجی سید ابوالحسن [علوی] و چند نفر دیگر مرامنامه را تکمیل کردیم. مرامنامه و نظامنامه طبع شد. (ابوالحسنی، ۱۳۸۴: ۴۶ - ۴۵؛ شهبازی، ۱۳۸۲: ۱۵)

توسعه احزاب سیاسی نیازمند جابجایی فرهنگ سیاسی دموکراتیک به جای فرهنگ سیاسی سنتی و تبعی بود. حزب دموکرات از بین بردن نظام ارباب و رعیتی از طریق اصلاحات ارضی را پیش زمینه شکل گیری نظام سوسیالیستی در ایران می دانستند، که می بایست از طریق قانون اصلاحات ارضی دگرگون می شد. با فتح تهران و برنامه مشروطه خواهان جهت پیشرفت و نوسازی مملکت، زمان برای جناح دموکراتیک مناسب بود تا اهداف خود را اجرا نمایند. نمایندگان حزب در مجلس شورای ملی بر اهمیت و ارزش نهاد قانون گذاری تاکید فراوان داشتند. حزب دموکراتیک طرح خود را با برقراری مجلس بنیان گذاشتند تا مطالبات آزادی خواهانه مردم را در سایه قانون، جامعه عمل ببوشانند. (یزدانی، ۱۳۹۱: ۱۸۶ - ۱۷۵)

۳-۲-جامعه پذیری سیاسی مستبدانه(عدم پشتوانه و حمایت مردمی)

قهرمان پروری و شخصیت پرستی، یکی از مهمترین ویژگی های تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران بوده است. احزاب سیاسی در ایران عمدتاً قائم به شخص بوده و هویت خود را عمدتاً از شخص مؤسس می گرفتند، نه از شخصیت حقوقی و گروهی، لذا احزاب سیاسی در ایران از پشتوانه حمایت عمومی برخوردار نبوده اند و با عدم اقبال و توجه مردمی روبه رو بوده اند. شاید بتوان گفت مخفی کاری احزاب در این دوره، خود علتی بر عدم اقبال مردمی بوده است. احزاب در آن دوره به درستی از پایین به بالا شکل نمی گرفتند، بلکه از تجمع چند چهره سیاسی و اتحاد نیم بند آنان با هم، احزاب اعلام موجودیت می کردند، مثل این که دموکرات ها سابقاً شاهزاده عین الدوله را با خود همراه کرده بودند و اعتدالیون فرمانفرما را برای آنکه در موقع انتخابات هریک برای خود رای پیدا کنند.(سپهر، ۱۳۶۲: ۲۲) به دلیل همین عدم اتکای به مردم، عمودی و شخصی بودن، هرگونه مشارکت و سازمانگرایی سیاسی را تضييع نموده بود. احزاب به دنبال جذب مردم و ایجاد ساز و کاری نبودند که ایشان را آموزش دهند تا از طریق آن بتوانند ساختار سیاسی کشور را متحول کنند. احزاب اصلاً اعلام موضع نمی کردند و این بی توجهی باعث عدم توجه مردم به احزاب می شد. در بسیاری از تلاش ها که میلیون و سیاسیون برای بهبود اوضاع بروز داده اند نامی از احزاب نیست. حتی در تلگراف ها و نامه هایی که به سران سایر کشورها نوشته شده، نامی از احزاب به میان نیامده است. نکته در این است تقی زاده از لیدرهای حزب دموکرات بودند و نامی از حزب دموکرات نبردند؛ مثلاً تقی زاده و وحیدالملک در تلگرافی به ویلسون رییس جمهور آمریکا گفته اند: «ما از طرف ملت خودمان به شما و ملت نجیب آمریکا متوسل می شویم که نفوذ نام خودتان را به کار برده تا بهره مندی از آن اصول مقدمه ای که شما از روی حس نجیب انسانیت پرستانه خود شرط

صحیح و حق پایداری صلح عالم ملاحظه فرموده‌اید، شامل حال این نژاد قدیم نیز بگردد. (روزنامه کاوه، ۱۳۲۹: ۲۹).

۴-۳-۲- منطبق نبودن با مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

حزب دموکرات در صدد پیشبرد سوسیالیسم از طریق مجلس و مشروطه بود و سعی می‌کرد که به عقاید خود جنبه اسلامی بدهد تا از تهمت بی‌دینی و تندروی انقلابی رهایی یابد، ارتباط دادن مذهب با ملیت، یکی از مواضع بسیار جالب توجه تئوری حزب دموکرات شد. (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۲۲۲) حزب دموکرات با دخالت روحانیون در سیاست مخالف بود، البته باید توجه داشت که ماده پنجم (انفکاک کامل قوه سیاسیه از قوه روحانیه) برنامه دموکرات‌ها ناظر به تفکیک دین از دولت بود که این ماده مغایر با متمم اساسی مصوب ۱۲۸۶ ش بود. چرا که در این متمم اختبارات فوق العاده ای به علما داده شده بود. این تاکید بر سکولار یزه شدن سیاست سبب مخالفت علمای دینی با دموکرات‌ها گردید و مخالفانشان آنها را نامسلمان خواندند. (آفاری، ۱۳۸۵: ۳۵۰)

حزب سوسیال دموکرات بر اساس مرام نامه خویش که خواهان مجلس ملی و دائمی در ایران بود و دموکراسی را شعار اصلی خویش ساخته بود، اما بر اساس بنیاد های اندیشه این گروه که از جمله رادیکال ترین آن بر لائیسیم (جدایی از دین) استوار بود، حضور رهبران دینی را در مدیریت نهضت و بعد از پیروزی در قوه مقننه و فرهنگ و امور اجتماعی کشور برتافت و همچنین از اصرار علما دینی بر انطباق قوانین کشور با شریعت مقدس اسلام خشمگین گردید، و بنای مخالفت را گذاشت. دموکرات‌ها در شب نامه‌ها و اعلامیه‌های خویش خواستار مداخله نکردن پیشوایان مذهبی مشروطیت (سید بهبهانی و طباطبایی) در امور مجلس و اکتفای آنان به مسائلی همچون اجرای صیغه نکاح و طلاق و نماز جماعت و... بودند. (مرادی نیا، ۱۳۸۵: ۸۱۹؛ شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۱۴۱) از دیگر اهداف حزب دموکرات جدایی دین از سیاست و عدم دخالت علماء در سیاست بود که از نتایج این طرز تفکر را می‌توان در اعدام شیخ فضل الله و ترور سید عبدالله بهبهانی دید. (اتحادیه، ۱۳۶۲: ۲۹۱-۱۲۶) حزب صراحتاً تفکیک کامل قوه سیاسیه از قوه روحانیه سخن گفته و مخالف ورود روحانیون به حزب و یکی از شرایط قبول اعضا نداشتن شغل دینی و آخوندی قلمداد کرده است. (افشار، ۱۳۵۹: ۳۵۲) از آنجا که روحانیت، شأنی جز تبیین و اجرای احکام دین در اجتماع ندارد، طرح انفکاک سیاست از روحانیت به واقع هدفی جز تفکیک سیاست از دین و راندن آن به

انزوای مناسب عبادی شخصی نداشت، از این رو بجاست آن را به همان تر جدایی دین از سیاست تعبیر کنیم. ژانت آفاری اصل تفکیک سیاست از روحانیت در برنامه حزب راه، حرکتی مغایر با قانون اساسی مشروطه میدانند. اصل دوم متمم قانون اساسی، رسماً مجتهدان را دارای حق نظارت بر مصوبات مجلس شناخته و تنفیذ آنان را شرط اعتبار قوانین دانسته است. بر این اساس، دم زدن از تفکیک سیاست از روحانیت در مرامنامه حزب مفهومی جز تقابل مستقیم با قانون اساسی نمی توانست داشته باشد. فرقه دموکرات، حتی مبارزه با این ماده از قانون اساسی راه، رسالت حزبی خویش می شمرد. (آفاری، ۱۳۷۹: ۳۴۹)

۵-۳-۲- وابستگی به دولت های خارجی

حزب دموکرات به دلیل وابستگی به دولتهای خارجی در برابر رخدادها و حوادث داخلی نتوانست موضعی پایدار و مردمی اتخاذ کند، بنابراین همین خصیصه یعنی اتکای به قدرت خارج به جای اعتماد به مردم، سبب گردید که این حزب در فراز و نشیب هایی از استراتژی و تاکتیک های قدرت های خارجی در آن گرفتار آید. حضور رجال وابسته به انگلستان در میان رهبری حزب سوسیال دموکرات سبب شد که خواست انگلستان تعقیب گردد. حزب دموکرات از طریق حسینقلی خان نواب «عضو مهم لژ بیداری ایران و از اعضای ثابت حزب دموکرات، که خاندانش منشی و حقوق بگیر سفارت انگلیس بودند (علوی، ۱۳۶۳: ۱۲۴؛ ملک زاده، ۱۳۷۴: ۷۴) روابط محکمی با بریتانیا داشت. مورخان به روابط حزب با انگلیس اشاره کرده اند: ملک الشعراى بهار که خود عضو کمیته مرکزی حزب در تهران بوده نوشته است: «حزب دموکرات با انگلیس ها روابط خوبی داشت و مأمورین بریتانیا در ایالات به این حزب روی خوشی نشان می دادند.» (بهار، ۱۳۵۷: ۱۲) در گفتار مستر نورمن سفیر انگلیس در زمان قرار داد ۱۹۱۹، در ۱۸ ژوئن ۱۹۲۰ در تلگراف به وزیر خارجه متبوع خویش (لرد کرزن) کسانی که به نام "مليون دموکرات معروف اند... از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران تا کنون همیشه جزء دوستان و عطفداران پا بر جای ما بود داند... ولی اینکه قرارداد ۱۹۱۹ و عملکرد دولت انگلیس در حمایت از این قرارداد «اعتماد و حسن ظن» آنها به انگلیس را از بین برده است. (اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران در انگلیس، ۱۳۶۸: ۱۶۹) اشغال ایران توسط قوای خارجی در سال های پایانی قرن چهاردهم قمری به شدت در سرنوشت این حزب و مردان آن تاثیر گذاشت؛ و حزب از داخل دچار تشنت و سردرگمی گردید، گرایش به آلمان توسط برخی از لیدرهای حزب دموکرات و گرایش به ترکیه توسط بخشی از رهبران دیگر که گرایش به پان ترکیسم داشتند و هواخواهی عده ای دیگر از انگلستان سبب

اصلی این اختلافات بود. (بهار، ۱۳۵۷: ۲۹۳) محمد تقی بهار که خود از اعضای برجسته حزب دمکرات بود، می نویسد: «در قم کمیته ای به نام «کمیته دفاع ملی» از زعمای دموکرات تشکیل گردید و اعضای برجسته اش چنین بودند؛ سلیمان میرزا، میرزا سلیمان خان، میرزا محمدعلی خان کلوب که بعد فرزین نامیده می شد، وحیدالملک، حاج وطن الملک (جلالی)، ادیب السلطنه (سمیعی) و عده دیگر که بامسیرشونمان آلمانی همکاری می کردند.» (آبادیان، ۱۳۷۶: ۱۰) علت اصلی شکست چیزی جز اختلاف عناصر حزب، در بحران اشغال، اعتماد و اتکای به دول خارجی بر اساس محاسبات غلط سیاسی و، وابستگی آنان بود، حزب برای روحیه اعتماد به نفس در مردم در ایام بحران و ناگواری های دشوار آن به جای آنکه در کنار مردم باشند رسماً صحنه را خالی و به انتظار آینده به اروپا رفتند و یا در ترکیه و یا در برخی شهرهای ایران عزت گزیدند. لذا مرحله اول از تاریخ احزاب سیاسی در این منبع مهم تاریخی که می توانستند این دو. «در سر حد خانقین که مجبور شده بودند از جلو قشون روس عقب بنشینند هر دو حزب و زعمای دو فرقه، اجتماعی کردند و با یکدیگر کنار آمدند و هر دو حزب را منحل ساختند یکی شدند و از آن روز حزب دموکرات و اعتدال منحل گردید.» (آبادیان: ۳۱ - ۳۰)

۶-۳-۲- اعتقاد نداشتن به جایگاه و کارکرد احزاب

نخبگان ایرانی بارها به نوعی بدبینی و عدم اعتقاد به احزاب را از خود نشان داده اند و جالب این است که اکثر این افراد، خود از هواداران مشروطه یا از لیبرهای احزاب بوده اند. سیدحسن تقی زاده که خود، لیدر و از مؤسسين حزب دموکرات بود، زمانی که به علت تکفیر در خارج از کشور به سر می برد، در مورد مشکلات کشور می گوید: «مجلس ملی، دربار و پیشروان ملت، سیاسیون، ارباب نفوذ تهران و ولایات، علما و اهل بازار اگر ترقی ایران و قوت مملکت خود را می خواهند، باید پشت به پشت داده سعی کنند یک حکومت مرکزی ثابت و پایداری پیدا شود و نه سایر مساعی نتیجه نمی دهد و گفت وگوهای سیاسی، تشکیل احزاب، اتحاد اسلام، انقلاب سیاسی، تجددبازی، شیوع مسلک بالشویکی و منشویکی، وفور جراید، اشعار وطن پرستانه، هیجان افکار عامه و نمایش های ملی، فایده ای برای نجات تمدن ایران ندارد.» (روزنامه کاوه، ۱۳۲۹ ه. ق، شماره ۱۲: ۶) وقتی تقی زاده که در خارج نیز زندگی کرده، راجع به احزاب، این گونه نظر می دهد، از سایر افراد و مخالفان، توقع چندانی نمی توان داشت. اما اندیشه ها و هدفهای سیاسی اجتماعيون

سراسر بر گرفته از مکتب های اروپایی نبود. آنان از متفکران و مبارزان ایرانی نیز توشه بر گرفتند. متفکرانی چون میرزا ملکم خان، آخوندزاده، طالبوف تبریزی، میرزا آقا خان کرمانی بر شکل گیری اندیشه آنان تأثیر بخشیده بودند. شیوه مبارزه و شخصیت سید جمال الدین اسدآبادی نیز هیچ گاه از نظر آزادی خواهان ایرانی نیفتاده بود. آموزه های حاجی شیخ هادی نجم آبادی بر چند تن از اجتماعيون اثر گذاشته بود. اسطوره تاریخی هم وجود داشت، و آن عمل میرزا رضا کرمانی در کشتن ناصرالدین شاه بود. (روزنامه صوراسرافیل، ۱۳۲۵: ۸-۳) برخی نیز ریشه بدبختی را در یک حزب میدانستند و می گفتند که اگر آن حزب از میان برود و حزب دیگر قدرت را بگیرد، اوضاع مرتب و به سامان خواهد شد. اما در این مورد بهار می گوید: «خبر ندارند که این مسئله یگانه مبدی نالاکت و بدبختی ایران خواهد شد. (محمدتقی بهار، ۱۳۲۹، ج ۱: ۱۳). حبل المتین نیز در پاسخ به کسانی که اعتقادی به احزاب نداشتند گفته است: «ما با صدای بلند فریاد زده و می گویم که هر قدر اصول پارلمانی و مجلس شورای ملی منظم شود و احزاب سیاسی پایبند پروگرام صحیح گردند، وضع مملکت بهتر می شود؛ و تا مسلک این اشخاص معذود که کابینه از آنها تشکیل می شود همین است، محال است که خرابی ها اصلاح و ویرانه ها تعمیر گردد. (روزنامه حبل المتین، ۱۳۲۵: ۱۲)

۷-۳-۲- نگرش اقتصادی و چگونگی اصلاحات

حزب دموکرات به دنبال تغییر جامعه ایران از شیوه تولید فئودالته به دوره سرمایه داری پیشرفته بود. تأکید بر سرمایه داری و آزادی های مدنی و سیاسی از جمله اولویت بندی حزب دموکرات بود. آنها به دنبال توسعه اقتصادی و اصلاحات اجتماعی بودند، طلب برابری و مساوات و تدوین اصول و خواسته هایی مبتنی بر عدالت اجتماعی در مرام نامه حزب دموکرات عمدتاً متأثر از دیدگاه های سوسیال دموکراسی این حزب و موقعیت اجتماعی اعضای برجسته آن است که به عنوان نیروهای جدید اجتماعی نگاه امیدبخشی به مدرنیته غرب داشتند. بخش زیادی از اصلاحات و رفم اقتصادی مرامنامه حزب سیاسی دموکرات به حوزه روابط مالکیت و چگونگی رعایت حقوق رعایا از سوی خوانین و ملاکین بر می گردد. تنظیم مناسبات ارباب و رعیت بخصوص از ماده سیزدهم تا هفدهم تأکید بر رعایت حقوق رعایا بصورت عادلانه و حق داشتن مالکیت و امنیت برای رعایا تشریح گردیده است. مطابق برنامه اقتصادی حزب دموکرات، نظم اقتصادی در ایران می بایست بر سه اصل "تمرکز، پارلمانتاریسم و دموکراسی" مبتنی باشد. در همین راستا در شرح مرام نامه حزب دموکرات، افراد جامعه به دو گروه، اغنیا «مقتدرین و متنفدین» در یک سو و کسبه و رعایا و رجبران و ضعفا در سوی دیگر تقسیم شده که گروه اول قانونی را در جهت حفظ منافع خود و به منظور

غلبه بر ضعفا می خواهند (محافظه کار و اشرف سالار) و گروه دوم می خواهند حقوق از دست رفته ضعفا و رعایا را زنده کرده، تساوی و عدل را جریان داده. این فرقه را حامی رنجبران و لیبرال و دموکرات گویند که طالب مساوات در میان بشر هستند. (اتحادیه، ۱۳۶۲: ۳۴ - ۳۳). دموکرات ها که خواهان تمرکز قوا و جدایی دین از سیاست بودند با دو رقیب روبرو بودند: یکی علما و دیگری خوانین و ملاکین بزرگ. (آفاری، ۱۳۸۵: ۳۵) علما به عنوان مفسرین و حافظان امورات دینی با رویکرد حفظ احکام و موازین اسلامی با اندیشه سکولاریستی دموکرات ها مخالفت می کردند و خوانین و ملاکین بزرگ برای حفظ موقعیت اقتصادی و سلطه سیاسی اقتصادی بر محدوده ایالات و ولایات نسبت به اقدام اصلاحات اجتماعی و برابری رعیت با خوانین و تقسیم اراضی بین کشاورزان به شدت مخالف بودند. هر دو طبقه با اتحاد حزبی و سیاسی به دنبال جلوگیری از اقدامات حزب دموکرات و تضعیف اندیشه های فکری آنها در جامعه آن روز ایران بودند. از مهمترین اصول اجتماعی عدالت خواهانه مرام نام حزب دموکرات باطل کردن و از بین بردن طبقات ممتاز بود. عدالت خواهی برگرفته از مرام نامه دموکرات ها با توجه به جایگاه عمدتا غیر اعیانی و مبانی فکری مبتنی بر ستیز با اعیان و منتفدین، در حیطه عمل مستلزم ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جامعه و تحولات اساسی در رابطه بین طبقات ممتاز با اقشار ضعیف و به بیان آنان، رنجبر جامعه است. دموکرات ها طبق مرام نامه خود خاستگاه طبقاتی متوسط و غیر اعیانی و گرایشات سوسیال دموکراسی آنها ضدیت با طبقات برتر و ممتاز و طرفداری از محرومان و رنجبران را موجه جلوه می داد، روزنامه ایران نو با پرداختن به مطالبی در خصوص اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و تاکید بر صنعتی شدن ایران به دلیل تاکید بر گذار اقتصاد ایران از مرحله فئودالی به شیوه تولید سرمایه داری بود. (ایران نو، ۱۳۲۷: ۱۰) این نشریه تحت تاثیر سوسیالیسم دموکراسی در اروپا بر اصل تئوری تکاملی پیشرفت اجتماعی تاکید داشت که طبق آن هیچ گونه تغییرات اساسی قابل تحقق نبود مگر آنکه تغییرات لازم در اوضاع مادی زندگی بشری صورت بگیرد. (آفاری، ۱۳۸۵: ۳۶)

۸-۳-۲- اختلاف عقیده و نگاه های چندگانه

در آثار برجها مانده از اجتماعيون اختلاف عقیده و نگاه های چندگانه به مسائل اجتماعی آشکار است. چند تن - مانند سید جمال و ملک المتکلمین - بنا به ضرورت شغل خود، بر تحول فکری

و فرهنگی تأکید داشتند، کسانی مانند میرزا جهانگیر و دهخدا گوشه‌هایی از اندیشه سوسیالیستی را تبلیغ می‌کردند، تقی زاده مخالف نظام موجود زمینداری بود، اما چنین به نظر می‌رسد که جایگزین مطلوب آن را نظام سرمایه‌داری می‌پنداشت. اجتماعيون عاميون از افکار مارکسیستی به طور مستقیم تأثیر نگرفته بودند. شناخت آنان از سوسیالیسم در اروپا و روسیه نیز کم‌مایه بود، بسیاری از اجتماعيون درون کشور آگاهی منسجم و درستی درباره احزاب انقلابی روسیه نداشتند. در بین آنها کسانی بودند که به سوسیالیسم اعتقاد داشتند، اما برداشت شان از اندیشه سوسیالیستی کلی و تا حدی دلخواهانه بود. آن‌ها سوسیالیسم را نظامی عادلانه میدانستند که می‌تواند جامعه عقب مانده ایران را به پیشرفت برساند، به ستم و بی‌عدالتی سیاسی پایان ببخشد، بساط اربابان و ثروتمندان را درهم بپیچد، و برای همپوشان زحمت کش آنان برابری و سعادت فراهم بیاورد. اجتماعيون عاميون هنگامی در کشور گسترده شدند که حکومت مشروطه رسمیت یافته و مجلس شورای ملی به کار پرداخته بود. چارچوب قانونی برای فعالیت سیاسی می‌رفت که شکل بگیرد. بنابراین، می‌شد انتظار داشت که اجتماعيون فعالیت خود را چنان سامان بدهند که در حریم قانون گام بردارند. اما در حقیقت، با آن‌که شالوده‌های حکومت مشروطه شکل می‌گرفت، نیروهای پشتیبان خودکامگی همچنان تاخت و تاز می‌کردند. دشمنی شاه قاجار و دار و دسته دربار و شاهزادگان بزرگ با نظام جدید موضوع پوشیده‌ای نبود. بسیاری از سردمداران حکومت به نظام نورسته بی‌اعتقاد بودند. گروهی از آنها برای حفظ موقعیت یا دستیابی به مقام، خود را مشروطه‌خواه جا می‌زدند. گروهی دیگر می‌کوشیدند در هر دو اردوگاه جای پایابند. حتی حکومتگرانی که مدافع خودکامگی نبودند، با طرفداران نظام پیشین پیوندهای خانوادگی و عاطفی استواری داشتند. از این‌ها گذشته، مخالفان مشروطیت در سراسر کشور فعال بودند. ترکیب گسترده‌ای از برخی سران ایالات، زمین‌داران بزرگ، حاکمان ایالات و ولایات و ریزه‌خواران آنها، دسته‌ای از روحانیون، و عناصر اجتماعی ناآگاه شکل گرفته بود؛ و این گروه‌ها هرگاه فرصتی به دست می‌آوردند، دشمنی خود را آشکار می‌ساختند. بخش بزرگ طرفداران مشروطه را نیز گروه‌های میانه‌رو و محافظه‌کار - از اعیان و اشراف و دیوانیان گرفته تا اعضای اصناف - تشکیل می‌دادند. مخالفان نقاب پوش و طرفداران دودل در همه کانون‌های حساس سیاسی - از دربار و هیات دولت گرفته تا مجلس، انجمن‌های ایالتی و ولایتی و محفل‌های مشروطه‌خواه - پرسه می‌زدند. اجتماعيون در چنین محیطی فعالیت می‌کردند. آنها اندیشه‌هایی برای دگرگون ساختن بنیادهای اقتصادی و سیاسی جامعه در سر داشتند، اما این آرزوها از ظرفیت مشروطیت موجود می‌گذشت. در جامعه‌ای تکاپو می‌کردند که تجربه

فعالیت آزاد سیاسی نیندوخته بود. می خواستند با توده های ارتباط برقرار کنند که از شدت ستم به تنگ آمده بودند، اما در ناآگاهی غوطه می خوردند. رویاروی دولتمردانی قرار داشتند که می کوشیدند اوضاع گذشته را بازسازی کنند. چنان که این تصویر کلی نشان می دهد، برای سیاستهای اجتماعیون پشتیبانی اجتماعی موثری فراهم نبود، هیچ طبقه با قشر اجتماعی به راستی انقلابی به میدان نیامده بود که خواهان تغییرات ریشه‌ای اقتصادی و اجتماعی باشد. اختلافات نه تنها میان احزاب گوناگون مانع دستیابی به هدف می شد، بلکه اختلافات درون حزبی نیز به اندازه‌های زیاد بود که بعد از یک مدت به ناکارآمدی و در نتیجه انحلال می انجامید. اگرچه در برنامه حزب دموکرات در مجلس دوم تأکید شده بود که حکومت می بایست به بی قانونی و هرجومرج سالهای انقلاب پایان دهد، اما در عرصه عمل با اقدامات خارج از قانون و روندهای غیر دموکراتیک، کشمکشهای سیاسی را رواج و هرج و مرج را بیشتر می نمود. چنانچه ملکالشعراى بهار در توصیف وضعیت حزب دموکرات و اختلافات درونی آن مینویسد: «... و هرج و مرج به حد اعالی خود رسید و حزب دموکرات در مقبره ای که خود و افرادش کنده بودند، بدون تشییع و تشریفاتی و بدون تذکر و احترامی دفن گردید. (بهار، ۱۳۵۷: ۳۰)

نتیجه گیری

ایران در عصر مشروطیت گام های بزرگی به سمت دموکراسی برداشت. احزاب سیاسی مهمترین و معتبرترین نهاد اجتماعی سیاسی هستند، اصلی ترین کانون تجمیع خواسته ها و علایق گوناگون تلقی می شوند. اما در ایران به دلیل استقرار نظام استبدادی کهن و فقدان تجربه تحزب گرایی، حزب سازی صرفاً تقلیدی از کشورهای غربی بود. حال آن که مردم و حتی نخبگان درک درستی از نظام حزبی و کارکردهای آن نداشتند. با بررسی اوضاع سیاسی و کارکردهای مجلس اول که بدون حزب سیاسی بود، نسبت به مجلس دوم که احزاب سیاسی و حزب دموکرات وجود داشت، می توان تاثیر حزب بر تحولات سیاسی و فرهنگی را بهتر دریافت.

به دلیل فضای باز سیاسی در این دوره اجتماعیون عامیون تنها سازمان سیاسی بود که در روزگار پرافت و خیز مجلس دوم در جامعه ای بدون تجربه سیاسی به فعالیت پرداخت. عناصر تشکیل دهنده آن غالباً جوانان و از شمار طبقه تحصیل کرده جامعه بودند. حزب به دلیل وجود اعضا و

هواداران روشنفکر خود، از پشتوانه فکری قوی برخوردار بود، ولی به دلیل انقلابی و تندرو بودن کمتر موفق شدند؛ اشراف، روحانیون و افراد طبقه پایین را به خود جذب کنند، هرچند که در اساسنامه خود از طبقه پایین جامعه حمایت می کردند. اعضای حزب اندیشه‌های یکسان نداشتند، اما به طور کلی خواهان پیشرفت کشور، برقراری عدالت اجتماعی، و بهبود زندگی قشرهای تنگدست بودند. به جای کشمکش و درگیری، نفوذ و قدرت آن روز خود را باید برای ایجاد یک نهاد سیاسی قدرتمند به کار می گرفت، تمایل به رادیکالیسم و تندروی در سیاست داخلی و خارجی، اختلاف و تفرقه درون حزبی، وابستگی ایدئولوژیکی و فرهنگی، دخالت روس و انگلیس نا کارآمدی حزب دموکرات را موجب شد. بسیاری از احزاب سیاسی نتوانستند سنگ بنای قانونمندی را در مراودات حزبی و سیاسی با سایر رقبا پایه گذاری نمایند.

منابع و مأخذ

۱. _ ابراهیموف، ت. (۱۳۶۵)، پیدایش حزبی کمونیست ایران. تهران: گونش.
۲. _ آبادیان، حسین (۱۳۷۶)، فرقه دموکرات و تحولات معاصر ایران. تهران: موسسه مطالعاتی تاریخ معاصر ایران.
۳. _ آبادیان، حسین (۱۳۸۳)، بحران مشروطیت در ایران. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی در ایران.
۴. _ آدمیت، فریدون (۱۳۴۰)، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت. تهران: سخن.
۵. _ آدمیت، فریدون (۱۳۵۴)، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران. تهران: پیام.
۶. _ آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه ایران. ترجمه رضارضایی. تهران: بیستون.
۷. _ عبدالحمید، ابوالمحمد (۱۳۷۶)، مبانی علم سیاست، تهران: امیرکبیر.
۸. _ اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، پیدایش و تحول احزاب مشروطیت (دور اول و دور دوم شورای ملی). تهران: نشر گستر.
۹. _ اتحادیه، منصوره (۱۳۶۲)، مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه. تهران: تاریخ ایران.
۱۰. _ افشار، ایرج (۱۳۶۸)، زندگی طوفانی (خاطرات سیدحسن تقی زاده). تهران، محمدعلی علمی.

۱۱. _ براون، ادوارد (۱۳۶۱)، نامه های تبریز. ترجمه حسن جوادی. چ دوم. تهران: خوارزمی.
۱۲. _ تقی زاده، سیدحسن (۱۳۷۹)، تاریخ مجلس شورای ملی. تهران: فردوس.
۱۳. _ تبریزنیا، حسین (۱۳۷۷)، برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران. تهران: انتشارات سیاوش.
۱۴. _ دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲)، لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه دهخدا.
۱۵. _ رسول زاده، محمد امین (۱۳۷۷)، گزارش هایی از انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه: رحیم رئیس نیا. تهران: شیرازه.
۱۶. _ رضازاده، ملک رحیم (۱۳۵۱)، چکیده انقلاب، حیدرخان عمواغلی. بی جا: انتشارات روزبه.
۱۷. _ رواسانی، شاپور (۱۳۶۸)، نهضت میرزا کوچک خان جنگلی و اولین جمهوری اسلامی در ایران. تهران: نشر شمع.
۱۸. _ روزنامه ایران نو. سال سوم. شماره ۱۲. ۱۳۲۹
۱۹. _ روزنامه جبل المتین. سال هجدهم. شماره ۱۲. ۱۳۲۵
۲۰. _ روزنامه کاوه. سال سوم. شماره ۲۹. ۱۳۲۹
۲۱. _ روزنامه ایران نو «مکتوبات وارده». شماره ۲۶. ۱۳۲۷
۲۲. _ روزنامه ایران نو. سال دوم. شماره ۱۶. ۱۳۲۹
۲۳. _ روزنامه صور اسرافیل. سال اول. شماره ۹. ۱۳۲۵
۲۴. _ شهبازی، عبد الله (۱۳۸۲)، «زندگی و زمانه شیخ ابراهیم زنجانی، جستاری از تاریخ تجددگرایی ایرانی قسمت ۴». ماه نامه زمانه. س ۲. ش ۱۲.
۲۵. _ علوی، سید ابوالحسن (۱۳۶۳)، رجال عصر مشروطیت. تهران: اساطیر.
۲۶. _ فشار، ایرج (۱۳۵۹)، اوراق تازه یاب مشروطیت و نقش تقی زاده. تهران: انتشارات جاویدان.
۲۷. _ مذاکرات مجلس، دوره ۴ (۱۳۰۰). ج ۵، بی تا. تهران: انتشارات مجلس شورای ملی.
۲۸. _ مرادی نیا، محمدجواد (۱۳۸۵)، روزنامه خاطرات سیدمحمد کمره ای: زمام داری و ثوق الدوله. ج ۱. تهران: اساطیر.
۲۹. _ معین، محمد (۱۳۹۴)، فرهنگ فارسی معین. تهران: امیرکبیر.

۳۰. - ملک زاده، مهدی (۱۳۷۱)، تاریخ انقلاب مشروطه ایران. ج ۵. تهران: علمی.
۳۱. - ملک زاده، مهدی (۱۳۷۴)، تاریخ انقلاب مشروطه ایران. ج ۶، تهران: علمی
۳۲. - وبر، ماکس (۱۳۷۶)، دانشمند و سیاستمدار، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۳. - هدایت (مخبر السلطنه)، مهدیقلی خان (۱۳۴۹)، خاطرات و خاطرات، تهران: زوار.
۳۴. - نوذری، عزت‌الله (۱۳۸۷)، تاریخ احزاب سیاسی در ایران. شیراز: نوید.
۳۵. - نوری، علی غروی (۱۳۵۲)، حزب دموکرات ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی. تهران: فردوسی.
۳۶. - یزدانی، سهراب (۱۳۸۶). صور اسرافیل: نامه آزادی. تهران: نی.
۳۷. - یزدانی، سهراب (۱۳۹۱). اجتماعيون عاميون، تهران: نی.